

آرایه های ادبی و نکات دستوری باقی مانده درس ۸: از صفحه ۶۰ تا آخر صفحه ۶۱

آرایه های ادبی این دو بیت، گفته شده است.

(۱) همی خواهم از کردگار جهان / شناسنده آشکار و نهان

دستور زبان: به سه شکل می توان تعداد جمله ها را مشخص کرد: (شکل ۲ و ۳ تعداد جمله ها تغییر می کند. نقش دستوری همان است.) ۱. یک جمله: از کردگار جهان، شناسنده آشکار و نهان می خواهم. / ۲. دو جمله: از کردگار جهان، کسی که شناسنده آشکار و نهان است. ۲. می خواهم / ۳. سه جمله: ۱. از کردگار جهان، کسی که شناسنده آشکار است. / ۲. و نهان است / ۳. می خواهم

۱. یک جمله. نهاد محذوف: من / از: حرف اضافه / کردگار جهان: متمم / شناسنده آشکار و نهان: صفت / می خواهم: فعل مضارع اخباری

۲. دو جمله. ۱. نهاد: کسی / از: حرف اضافه / کردگار جهان: متمم / که: حرف ربط / مسند: شناسنده آشکار و نهان / است: فعل اسنادی / ۲. نهاد محذوف: من / می خواهم: فعل مضارع اخباری

۳. سه جمله: ۱. نهاد: کسی / از: حرف اضافه / کردگار جهان: متمم / که: حرف ربط / مسند: شناسنده آشکار / است: فعل اسنادی / ۲. و: واو ربط (حرف ربط) / نهاد محذوف: کسی / نهان: مسند / فعل محذوف اسنادی: است / ۳. نهاد محذوف: من / می خواهم: فعل مضارع اخباری

در امتحان هر دو شکل را بنویسید درست است. در سوالات تستی دقت کنید: اول شکل ۱ را در گزینه ها پیدا کنید اگر نبود سراغ بعدی بروید

(۲) که باشد ز هر بد، نگهدارتان / همه نیک نامی بود یارتان

دستور زبان: دو جمله. ۱. که باشد ز هر بد، نگهدارتان / ۲. همه نیک نامی بود یارتان

جمله ۱: نهاد محذوف: کردگار جهان / که: حرف ربط / ز: از: حرف اضافه / هر بد: متمم / نگهدارتان: مسند / باشد: فعل اسنادی

جمله ۲: نهاد: همه نیک نامی / در اینجا همه به معنی همیشه می باشد و قید است / مسند: یارتان / فعل اسنادی: بود

این همزیستی و همدلی اقوام ایرانی، پشتوانه‌ای بسیار شکوهمند برای وطن است و سدّی استوار به بلندای ارادهٔ پولادین ایرانیان، پدید می‌آورد و میهن را در آوردگاه‌ها، از گزند دشمنان و اهرمن خویان می‌رهاند.

تشبیه: مشبه: این همزیستی و همدلی اقوام ایرانی. / مشبه به: پشتوانه‌ای بسیار شکوهمند و سدّی استوار
تشخیص: میهن را در آوردگاه‌ها، از گزند دشمنان و اهرمن خویان می‌رهاند.

به هر روی، ایران از آن همهٔ ایرانیان است؛ همهٔ اینان که در خاکش بزرگ شده‌اند و از آبش نوشیده‌اند و در هوایش پرورده‌اند؛ با آرامش آن آرمیده‌اند و در آشوبش بی‌قراری کرده‌اند؛ در صحنه‌های رزمش، دلاورانه، پیکار کرده‌اند و در جشن‌هایش، صف‌های میلیونی بسته‌اند و دشمنان را انگشت به دهان گذاشته‌اند.

انگشت به دهان ماندن: کنایه از متعجب شدن

امروز همین حسّ مشترک، هم‌جوشی و هم‌کوشی، همزیستی ما را معنا می‌بخشد. به همین سبب است که ملت ایران، یک صدا چونان شیر می‌غرند و ندای واحدی بر می‌آورند که:

تشبیه: مشبه: ملت ایران / مشبه به: شیر / ادات تشبیه: چونان / وجه شبه: غریدن

۱. ندانی که ایران، نشست من است / جهان سر به سر، زیر دست من است

آرایه های ادبی: جناس ناقص اختلافی بین است و دست / زیر دست: کنایه از تحت فرمان، مطیع / سر به سر: کنایه از همگی. همه

دستور زبان: سه جمله. ۱. ندانی / ۲. که ایران، نشست من است / ۳. جهان سر به سر، زیر دست من است

جمله ۱: نهاد محذوف: تو / ندانی: نمی دانی: فعل مضارع اخباری

جمله ۲: که: حرف ربط / نهاد: ایران / نشست من: مسند / است: فعل اسنادی

جمله ۳: نهاد: جهان سر به سر / مسند: زیر دست من / است: فعل اسنادی

۲. همه یکدلانند، یزدان شناس / به نیکی ندارند از بد، هراس

آرایه های ادبی: تضاد نیک و بد

دستور زبان: سه جمله. ۱. همه یکدلانند (اند: هستند) / ۲. یزدان شناس (هستند) / ۳. به نیکی از بد، هراس ندارند

جمله ۱: نهاد: همه / یکدل: مسند / فعل اسنادی: اند (هستند)

جمله ۲: نهاد محذوف: همه/ یزدان شناس: مسند/ فعل اسنادی محذوف: هستند

جمله ۳: نهاد محذوف: همه/ به: حرف اضافه/ نیکی: متمم/ از: حرف اضافه/ بد: متمم/ هراس: مفعول/ ندارند: فعل

۳. دریغ است ایران که ویران شود / گنام پلنگان و شیران شود

آرایه های ادبی: جناس ناقص اختلافی بین ایران و شیران، بین ایران و ویران/ مراعات نظیر بین کنام، پلنگان، شیران/ پلنگان و شیران: استعاره از دشمن

دستور زبان: سه جمله. ۱. دریغ است / ۲. ایران که ویران شود / ۳. گنام پلنگان و شیران شود

جمله ۱: نهاد محذوف: ویران شدن ایران/ دریغ: مسند/ است: فعل اسنادی

جمله ۲: که: حرف ربط/ نهاد: ایران/ ویران: مسند/ شود: فعل اسنادی

جمله ۳: نهاد محذوف: ایران/ مسند: کنام پلنگان و شیران/ فعل اسنادی: شود

۴. چو ایران نباشد، تن من مباد / در این بوم و بر، زنده یک تن مباد

آرایه های ادبی: جناس ناقص اختلافی بین تن و من/ تکرار کلمه تن/ تناسب بین ایران و بوم و بر

دستور زبان: سه جمله. ۱. چو ایران نباشد / ۲. تن من مباد / ۳. یک تن در این بوم و بر زنده نباشد

جمله ۱: چو: اگر قید شرط/ نهاد: ایران/ نباشد: فعل غیر اسنادی

جمله ۲: نهاد: تن من/ مباد: نباشد: فعل غیر اسنادی

جمله ۳: نهاد: یک تن/ در: حرف اضافه/ متمم: این بوم و بر/ زنده: قید حالت/ نباشد: فعل غیر اسنادی

۵. همه سر به سر، تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

آرایه های ادبی: تن به کشتن دادن کنایه از جان را فدا کردن/ سر به سر: کنایه از همگی. همه

دستور زبان: سه جمله. ۱. همه سر به سر، تن به کشتن دهیم. ۲. از آن بهتر است. ۳. که کشور به دشمن دهیم.

جمله ۱: نهاد: همه سر به سر/ تن: مفعول/ به: حرف اضافه/ کشتن: متمم/ دهیم: فعل

جمله ۲: نهاد محذوف: کشته شدن/ از: حرف اضافه/ آن: متمم/ بهتر: مسند/ است: فعل اسنادی محذوف

جمله ۳: نهاد محذوف: ما/ که: حرف ربط/ کشور: مفعول/ به: حرف اضافه/ دشمن: متمم/ دهیم: فعل